

رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین، الگوهای ارتباطی خانواده و سبک‌های دلبستگی با رشد اجتماعی دانش‌آموزان ابتدایی

زهرا مساعدی^۱، پگاه فرخ زاد^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران

^۲ استادیار، دانشکده روان‌شناسی و علوم اجتماعی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران

نویسنده مسئول:

پگاه فرخ زاد

مجله علمی پژوهش در روانشناسی، علوم تربیتی و علوم اجتماعی (سال هفتم)
شماره ۲۴ / تابستان ۱۴۰۰ / ص ۵۳-۶۲

چکیده

یکی از مهم‌ترین مراحل رشد کودک، رشد اجتماعی اوست که به موازات رشد جسمانی شکل می‌گیرد. اجتماعی شدن فرآیندی است تدریجی و مادام‌العمر که از خانواده شروع شده و با ورود به سایر گروه‌های اجتماعی تداوم می‌یابد. هدف از پژوهش حاضر پیش‌بینی رشد اجتماعی براساس شیوه‌های فرزندپروری والدین، الگوهای ارتباطی خانواده و سبک‌های دلبستگی در دانش‌آموزان ابتدایی بود. پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری را دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهر دماوند در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ تشکیل دادند که تعداد آنها براساس گزارش آموزش و پرورش، ۵۹۵۰ نفر بود. تعداد ۲۴۰ دانش‌آموز به روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای سنجش متغیرها از پرسشنامه‌های الگوهای ارتباطی خانواده (کوئرنر و فیتزپاتریک، ۱۹۹۰)، دلبستگی در کودکی میانه (رونقی و همکاران، ۱۳۹۱)، رشد اجتماعی (وایلند، ۱۹۶۵) و سبک‌های فرزندپروری (بامریند، ۱۹۷۳) استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها از آزمون رگرسیون چندگانه استفاده شد. شیوه فرزندپروری اقتداری به‌طور مثبت و شیوه‌های فرزندپروری استبدادی و سهل‌گیر به‌طور منفی، رشد اجتماعی را پیش‌بینی کردند. الگوی ارتباطی گفت و شنود به‌طور مثبت، رشد اجتماعی را پیش‌بینی کرد. در میان ابعاد دلبستگی، واکنش‌های هیجانی به‌طور منفی، رشد اجتماعی را پیش‌بینی کرد. بر اساس نتایج به‌دست آمده، رشد اجتماعی براساس شیوه‌های فرزندپروری والدین، الگوهای ارتباطی خانواده و سبک‌های دلبستگی در دانش‌آموزان ابتدایی قابل پیش‌بینی است.

واژگان کلیدی: الگوهای ارتباطی خانواده، رشد اجتماعی، سبک‌های دلبستگی، شیوه فرزندپروری والدین.

مقدمه

انسان موجودی اجتماعی است که از همان لحظه تولد، فرایند اجتماعی شدن را آغاز می‌کند و آن را پرورش می‌دهد. رشد اجتماعی با اولین برخوردهای والدین شروع می‌شود و در دراز مدت آثار روانی خود را باقی می‌گذارد. برخورد والدین و دیگر افراد جامعه تأثیر عمیقی در ساختار شخصیت کودک و آینده او دارند (غفاری و حسینی، ۱۳۹۷). بررسی اثرات شیوه‌های فرزندپروری روی جنبه‌های مختلف رشد کودکان و بهداشت روانی افراد، یکی از موضوعات پژوهشی بسیار فعال در سال‌های اخیر بوده است. اعضای خانواده باهم پیوندهایی را برقرار می‌کنند که منحصر به فرد هستند. کودکان در خانواده، زبان، مهارت‌ها، ارزش‌های اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی را می‌آموزند که پیوندهای صمیمی و خشنود کننده، سلامت جسمانی و روانی را در سرتاسر رشد پیش‌بینی می‌کنند.

در خانواده اولین موضوعی که در ارتباط با والدین و کودکان به چشم می‌خورد، سبک تربیتی والدین یا به عبارت دیگر شیوه‌های فرزندپروری^۱ آنهاست. شیوه‌های فرزندپروری، روش‌هایی هستند که والدین در برخورد با فرزندان اعمال می‌کنند که در شکل‌گیری و رشد شخصیتی و رفتاری آنها تأثیر فراوانی دارد. بامریند^۲ سه سبک فرزندپروری مستبدانه، مقتدرانه و سهل‌گیرانه را ارائه کرده است که هر کدام از این سبک‌ها می‌توانند پیامدهای مثبت و منفی در کودکان داشته باشند و هر کدام به نوعی روی مهارت‌ها و توانایی‌های شناختی و اجتماعی کودکان اثر می‌گذارد (برک^۳، ترجمه سید محمدی، ۱۳۹۷).

در شیوه فرزندپروری مقتدرانه، والدین درخواست‌های معقولی را از فرزندان خود دارند و با تعیین محدودیت‌ها و اصرار بر اینکه باید از آنها تبعیت کنند، آن را به اجرا می‌گذارند؛ حقوق والدین و کودک محترم دانسته می‌شود؛ و رابطه بین والدین و فرزندان، گرم و صمیمی و با محبت است. در شیوه فرزندپروری مستبدانه، بر قدرت والدین بیش از حد تأکید می‌شود؛ والدین اجرای بی‌چون و چرای دستورات خود را می‌خواهند و لزومی برای ارائه دلیل نمی‌بینند. در شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه، والدین مهرورز و پذیرا هستند، ولی متوقع نیستند و از هرگونه اعمال کنترلی خودداری می‌کنند؛ و فرزندان در هر سنی خود تصمیم گیرنده هستند (برک، ترجمه سید محمدی، ۱۳۹۷).

علاوه بر سبک‌های فرزندپروری والدین، کیفیت روابط درون خانواده یا به عبارت دیگر الگوهای ارتباطی خانواده^۴ نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری شخصیت و عملکرد اجتماعی و شناختی و نیز بهداشت روان کودک در آینده داشته و تأثیر طولانی مدت آن بر رشد و تکامل کودک به اثبات رسیده است. این مفهوم اولین بار توسط مک لئود و مک چافی (۱۹۷۲) معرفی شد. این محققان باور داشتند الگوهای ارتباطی خانواده بیش از اینکه یک خصیصه شخصیتی باشد، حاصل تجارب ناشی از تعاملات خانوادگی است. دو جهت‌گیری کلی الگوهای ارتباطی خانواده، شامل جهت‌گیری گفت و شنود (یعنی فضایی که در آن اعضای خانواده به تعاملات خودانگیخته و مشارکت در مباحث و ابراز ایده‌های جدید تشویق می‌شوند) و جهت‌گیری همنوایی (یعنی میزان فشاری که خانواده برای یکسان‌سازی گرایش‌ها، ارزش‌ها و باورها بر تک تک اعضا وارد می‌آورد) هستند (نیکدل و کوهستانی، ۱۳۹۶).

علاوه بر شیوه فرزندپروری و الگوهای ارتباطی، روان‌شناسان بر روابط کودکان با کسانی که مراقبت از آنها را به‌عهده دارند تأکید نموده و این کنش‌های متقابل را اساس عمده رشد عاطفی، شناختی و اجتماعی قلمداد کرده‌اند (نوروزی، ۱۳۹۳). بدون شک نظریه دلبستگی^۵ یکی از برجسته‌ترین و مهم‌ترین دستاوردهای روان‌شناسی معاصر است. به عقیده بالبی^۶ (۱۹۶۹)، برای تأمین سلامت روانی کودک، برقراری روابط گرم و دائمی بین او و مادرش یا هر فردی که بتواند به‌طور شایسته جایگزین مادر شود ضروری است؛ به‌طوری که مورد رضایت هر دو طرف بوده و از آن لذت ببرند (موسوی، جلالی و روحانی، ۱۳۹۸).

نبود دلبستگی قوی در دوران طفولیت (محرومیت مادری) می‌تواند به شکست در رشد و نمو، آشفتگی هیجانی و رشد محدود هوش منجر شود. اگر کودک پیش از حدود دو سالگی به محیطی آکنده از محبت منتقل شود، ممکن است این آثار تا حدودی قابل جبران باشند. کودک با اطمینان از ایجاد دلبستگی‌ها (مخصوصاً با مادر خود) دنیا را کمتر تهدید کننده و متخاصم می‌بیند و در نتیجه در مواجهه با رویدادهای ناگوار، کمتر آسیب می‌بیند. سبک‌های دلبستگی، تعیین‌کننده‌ی قواعد عاطفی و شناختی و راهبردهایی هستند که واکنش‌های هیجانی را در افراد و روابط بین شخصی هدایت می‌کنند. افراد دلبسته ایمن، کودکانی هستند که پس از رفتن مادر ناراحتی کمی نشان می‌دهند و پس از بازگشتن او به طرفش می‌روند و زود آرام می‌شوند؛ افراد دلبسته ناایمن یا اجتنابی، کودکانی هستند که در مراحل بازگشت مادر آشکارا از تعامل با او پرهیز می‌کنند و افراد دوسوگرا، کودکانی هستند که در آن واحد هم در جستجوی برقراری ارتباط جسمانی با والدشان هستند و هم از آن پرهیز می‌کنند (موسوی و همکاران، ۱۳۹۸). غلامی و شهری (۱۳۹۵) و نوروزی (۱۳۹۳) در مطالعات خود گزارش کردند، هرچه

¹ Parenting Styles² Baumrind³ Berk⁴ Family Communication Patterns⁵ Attachment⁶ Bowlby

مؤلفه‌های سبک دلبستگی ایمن افزایش یابد، میزان رشد اجتماعی کودکان نیز افزایش می‌یابد و بالعکس هر چه میزان سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا افزایش یابد میزان رشد اجتماعی کودکان کاهش می‌یابد.

با توجه به اینکه امروزه، ناسازگاری، بی مسئولیتی، عدم رعایت هنجارهای اجتماعی، همکاری و مشارکت دانش آموزان از جمله نگرانی‌های عمده‌ای است که در میان خانواده‌ها، مسئولین مدارس و آموزش و پرورش مورد بحث قرار گرفته است، ریشه این عدم سازگاری فرزندان را می‌توان ناشی از جامعه پذیری ناقص و عدم رشد اجتماعی کافی آنها دانست که موجب شده تا نتوانند در بستر خانواده، قواعد و رفتارهای اجتماعی را فراگیرند. از طرف دیگر، پرخاشگری‌های دانش آموزان، عدم شرکت در کارهای گروهی و عدم رعایت هنجارها توسط آنها را که یک معضل عمده در جامعه است، می‌توان به دلیل توأم نبودن رشد جسمانی آنها با رشد عاطفی و اجتماعی دانست. از آنجایی که بر اساس مطالعات پیشین، خانواده اولین و مهم‌ترین محیطی است که کودک در آن از چگونگی روابط اجتماعی آگاه می‌شود، بسیاری از جامعه‌شناسان و روان‌شناسان اعتقاد دارند تجاربی که کودک در سال‌های اول زندگی که معمولاً در محیط خانواده کسب می‌کند، زیربنای شخصیت و رفتارهای بعدی او را تشکیل می‌دهد. مسأله اصلی در پژوهش حاضر این است که با توجه به اهمیت بستر خانواده و عوامل خانوادگی در ابعاد مختلف رشد کودکان، کدام یک از شیوه‌های فرزندپروری والدین، الگوهای ارتباطی خانواده و سبک‌های دلبستگی می‌توانند در بهبود رشد اجتماعی کودکان نقش مثبت داشته باشند. بنابراین محقق در این پژوهش می‌کوشد، رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری والدین، الگوهای ارتباطی خانواده و سبک‌های دلبستگی با رشد اجتماعی کودکان را مورد مطالعه قرار دهد تا با ارائه راهکارهای کاربردی به طراحی یک مداخله جامع و مناسب برای آموزش خانواده‌ها در جهت ارتقای رشد اجتماعی کودکان کمک شود.

روش

روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی بود، زیرا به بررسی رابطه متغیرهای پیش‌بین (شیوه‌های فرزندپروری والدین، الگوهای ارتباطی خانواده و سبک‌های دلبستگی) با متغیر ملاک (رشد اجتماعی) پرداخته شده است.

جامعه آماری پژوهش حاضر را دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهر دماوند در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ تشکیل دادند که تعداد آنها براساس گزارش آموزش و پرورش، ۵۹۵۰ دانش‌آموز بود.

برای تعیین حجم نمونه به ازای هر سطح متغیر پیش‌بینی کننده، تعداد ۲۵ نفر نمونه انتخاب شد (هویت و کرامر^۷، ترجمه پاشاشریفی و همکاران، ۱۳۸۸ که در مجموع تعداد نمونه مناسب ۲۰۰ نفر به‌دست آمد. به منظور اطمینان بیشتر و جلوگیری از ریزش افراد، تعداد نمونه ۲۰ درصد بیشتر، یعنی ۲۴۰ نفر برآورد شد.

نمونه مورد نظر با روش تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شد. به این صورت که ابتدا از بین مدارس ابتدایی شهر دماوند، ۵ مدرسه به تصادف انتخاب که از بین این ۵ مدرسه، ۵ کلاس در نظر گرفته شد و از هر کلاس ۸ دانش‌آموز به تصادف انتخاب شدند.

ابزار پژوهش

۱- پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری بامریند: این پرسشنامه در سال ۱۹۷۳ توسط دیانا بامریند از دانشگاه کالیفرنیا طراحی شده است. در ابتدا به صورت ۴۸ سؤالی تهیه شد که در نهایت برای سه دیدگاه فرزندپروری بامریند یعنی فرزندپروری مستبدانه، فرزندپروری مقتدرانه و فرزندپروری سهل‌گیرانه، ۳۰ سؤال در مقیاس نهایی جای گرفت که هر ده سؤال آن مربوط به یکی از سطوح ذکر شده است. این پرسشنامه توسط اسفندیاری (۱۳۷۴) ترجمه شد و بر اساس نظر ده نفر از صاحب‌نظران در زمینه روان‌شناسی و روان‌پزشکی دارای روایی محتوایی بالایی است. برای تعیین پایایی آن از روش بازآزمایی استفاده شد و بعد از گذشت یک هفته میزان پایایی شیوه سهل‌گیرانه ۰/۶۹، شیوه استبدادی ۰/۷۷ و شیوه مقتدرانه ۰/۷۳ به‌دست آمد. تنکابنی (۱۳۷۹) نیز ضریب پایایی پرسشنامه را برابر ۰/۷۲ گزارش کرده است (به نقل از مژگانیان، ۱۳۸۰). مهرافروز و شهرآرای (۱۳۹۳) در پژوهش خود میزان اعتبار این پرسشنامه را با روش آلفای کرونباخ، ۰/۸۱ برای شیوه مقتدرانه مادر به‌دست آورد. همچنین در مورد میزان روایی این پرسشنامه، نتایج زیر را گزارش نموده است: مستبد بودن مادر رابطه معکوسی با شیوه سهل‌گیرانه (۰/۳۸-) و مقتدرانه (۰/۴۸-) او دارد. سختگیر بودن مادر رابطه معکوسی با سهل‌گیری (۰/۰۵-) و مقتدر بودن (۰/۵۲-) او دارد.

۲- پرسشنامه الگوهای ارتباطات خانواده کوثرنر^۸ و فیتزپاتریک (RECP): این پرسشنامه توسط کوثرنر و فیتزپاتریک در سال ۱۹۹۰ ساخته شده و دارای ۲۶ سؤال پنج گزینه‌ای از کاملاً موافقم (نمره پنج) تا کاملاً مخالفم (نمره یک)، در زمینه ارتباطات خانوادگی است.

⁷ Howitt & Cramer

⁸ Koerner

این ابزار جهت‌گیری گفت و شنود و جهت‌گیری هم‌نوایی خانواده را که به ترتیب ۱۵ گزاره اول و ۱۱ گزاره بعدی را تشکیل می‌دهند مورد سنجش قرار می‌دهد. نمره بیشتر در هر مقیاس به این معناست که آزمودنی در خانواده خود به ترتیب جهت‌گیری گفت و شنود یا هم‌نوایی بیشتری را ادراک می‌کند. کوثرنر و فیتزپاتریک اعتبار ضریب آلفای کرونباخ مقیاس را برای بعد گفت و شنود برابر ۰/۸۹ (دامنه ۰/۹۲ تا ۰/۸۴) و برای بعد هم‌نوایی برابر ۰/۷۹ (دامنه ۰/۸۴ تا ۰/۷۳) گزارش کرد. کورش‌نیا و لطیفیان (۱۳۸۶) برای بعد گفت و شنود آلفای ۰/۸۷ و برای بعد هم‌نوایی آلفای ۰/۸۱ گزارش کرد و در پژوهش فراهتی، فتحی آشتیانی و مرادی (۱۳۹۰) نیز ضریب آلفا برای بعد گفت و شنود ۰/۸۲ و برای بعد هم‌نوایی ۰/۸۰ به‌دست آمد. همچنین کوثرنر و فیتزپاتریک این پرسشنامه را دارای روایی مطلوبی از هر سه دیدگاه محتوایی، ملاکی و سازه می‌دانند. کورش‌نیا و لطیفیان با استفاده از روش تحلیل عاملی و همسانی درونی، روایی مطلوبی برای این ابزار گزارش نموده است. وی ارزش ویژه دو عامل گفت و شنود و هم‌نوایی را در تحلیل عاملی به ترتیب ۶/۴۸ و ۳/۲۶ گزارش نمود که ۳۷٪ و ۴۳٪ واریانس مقیاس را ارزیابی می‌نمود. ضریب همبستگی ابعاد با نمره کل نیز به ترتیب ۰/۷۵ و ۰/۴۴ بودند. در پژوهش همتی و همکاران (۱۳۹۷) که بر روی جامعه آماری کودکان پایه‌های سوم تا ششم مقطع ابتدایی انجام شد، برای احراز روایی پرسشنامه از روش همسانی درونی استفاده شد که نتایج آن نشان داد، ضرایب همبستگی خرده مقیاس گفت و شنود و گویه‌های آن بین ۰/۳۸ تا ۰/۷۳ بوده است و همچنین، همبستگی بین خرده مقیاس هم‌نوایی و گویه‌های آن بین ۰/۴۳ تا ۰/۶۹ به‌دست آمد که در سطح ۰/۰۱ معنادار بود و نشان از مطلوب بودن روایی این پرسشنامه است. از طرف دیگر، میزان پایایی خرده مقیاس گفت و شنود و هم‌نوایی بر حسب ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۸۲ و ۰/۷۷ به‌دست آمد.

۳- مقیاس دلبستگی در کودکی میانه: ساخت، اعتباریابی و هنجاریابی مقیاس دلبستگی در کودکی میانه در ایران توسط رونقی، دلاور و مظاهری (۱۳۹۱) برای سنجش دلبستگی کودکان ۱۲-۱۰ ساله انجام شده است. این مقیاس دارای ۲۱ سؤال و به سبک هارتر ساخته شده است؛ در این سبک جملات به صورت دوتایی ارائه می‌شوند که اولین جمله نشان دهنده رفتار ایمن و دومین جمله نشان دهنده رفتار اضطرابی یا اجتنابی است. نمره‌هایی که فرد در هر یک از این دو مؤلفه دریافت می‌کند، روی یک نمودار دارای دو محور عمودی (اجتناب) و افقی (اضطراب) قرار گرفته و جایگاه شخص از نظر طبقه‌بندی دلبستگی او مشخص می‌شود. اعتبار محتوایی آزمون به تأیید دو نفر متخصص در این زمینه رسید. ضریب اعتبار آلفای کرونباخ محاسبه شده در مؤلفه اضطراب ۰/۸۲ و در مؤلفه اجتناب ۰/۹۰ بود. نتایج حاصل از بازآزمایی نشان داد همبستگی بین نمرات در دو اجرا در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار بوده و میانگین مؤلفه‌ها در هیچ سطحی تفاوت نداشتند. روایی همزمان توسط اجرای یک پرسشنامه محقق ساخته در زمینه وجود مشکلات رفتاری، تحصیلی، سازگاری با دوستان و با مدرسه در آزمودنی‌ها بررسی شده که نتایج تأیید کننده روایی همزمان آزمون بودند. سپس مشخصه‌های هنجاری آزمون تهیه و تنظیم گردیدند. نتایج نشان می‌دهند مقیاس دلبستگی کودکان ۱۲-۶ ساله از اعتبار و روایی کافی برخوردار است (رونقی و همکاران، ۱۳۹۱).

۴- مقیاس رشد اجتماعی وایلند: این مقیاس توسط ادگار وایلند تهیه و در سال ۱۹۶۵ در آن تجدیدنظر کلی به عمل آمد. مقیاس بلوغ اجتماعی وایلند یکی از مقیاس‌های اندازه‌گیری توانایی‌های رشد یابنده است و میزان مسئولیت‌پذیری و توانایی فرد را در تأمین نیازهای عملی می‌سنجد. وایلند باور داشت که می‌توان کیفیت شایستگی‌های اجتماعی را با جمع‌بندی کارهایی که در سنین گوناگون انجام می‌شود سنجید. اگر چه این مقیاس گستره سنی تولد تا ۲۵ سالگی را در برمی‌گیرد، اما نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که روایی و پایایی آن در سنین پایین‌تر از توانایی بیشتری برخوردار است. با استفاده از این آزمون می‌توان کیفیت شایستگی‌های اجتماعی را در ۸ طبقه بررسی کرد. ضریب پایایی با بازآزمایی ۱۲۳ نفر، ۰/۹۲ گزارش شده است؛ با این توضیح که فاصله بازآزمایی از یک تا ۹ روز بوده است (پرستار، ۱۳۸۸).

شیوه اجرا

پس از انتخاب افراد نمونه و رعایت اصول اخلاقی، بعد از جلب اعتماد آنها از نظر محرمانه بودن اطلاعات، پرسشنامه‌ها در اختیار افراد قرار گرفت و از آنها خواسته شد که با دقت به تمام سؤالات پاسخ دهند. سپس داده‌ها جمع‌آوری شدند تا مورد تجزیه و تحلیل قرار بگیرند.

یافته‌ها

جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها، از جداول توزیع فراوانی، میانگین، انحراف استاندارد، کجی و آزمون‌های همبستگی و رگرسیون چندگانه جهت آزمون فرضیه‌ها استفاده شد. داده‌ها با نرم افزار SPSS-26 تحلیل شدند.

جدول ۱ شاخص‌های توصیفی نمرات گروه در رشد اجتماعی و ابعاد مختلف الگوهای ارتباطی، سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های فرزندپروری را نشان می‌دهد. در سبک فرزندپروری مستبدانه، کشیدگی نمرات بالاست؛ لذا، این نمرات شناسائی و از تحلیل کنار گذاشته شدند. اما در سایر متغیرها، کجی و کشیدگی نمرات در دامنه دو انحراف معیار است.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی رشد اجتماعی، الگوهای ارتباطی، سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های فرزندپروری				
متغیرها	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی
ایمن	۱۵/۸۴	۱/۵۷۵	۰/۱۹۴	-۱/۵۴۶
ناایمن	۳۳/۱۲	۸/۹۹۶	-۰/۶۶۷	-۰/۸۷۰
همنواپی	۱۳/۸۳	۲/۶۷۵	۰/۸۷۵	۰/۲۳۲
گفت و شنود	۱۷/۵۰	۲/۴۸۴	۱/۰۴۴	۰/۰۱۲
مقتدرانه	۱۹/۰۷	۳/۹۱۴	۰/۲۲۶	-۰/۲۰۲
مستبدانه	۴۱/۷۱	۱۲/۱۵۲	-۱/۸۲۱	۲/۲۴۴
سهل‌گیرانه	۱۴/۴۹	۳/۲۸۸	۰/۱۳۳	-۱/۲۳۴
رشد اجتماعی	۶۷/۹۱	۱۱/۷۴۲	۰/۱۹۳	-۰/۳۱۶

جدول ۲ نشان می‌دهد که توزیع تک متغییری نمرات رشد اجتماعی نرمال و در سایر متغیرها نرمال نیست. نمرات پرت شناسائی و از تحلیل کنار گذاشته شدند.

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی رشد اجتماعی، الگوهای ارتباطی، سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های فرزندپروری				
متغیرها	کالموگروف - اسمیرنوف		شاپیرو - ویلک	
	آماره	معنی داری	آماره	معنی داری
ایمن	۰/۲۱۶	۰/۰۰۱	۰/۸۳۶	۰/۰۰۱
ناایمن	۰/۱۶۷	۰/۰۰۱	۰/۸۶۲	۰/۰۰۱
همنواپی	۰/۱۷۱	۰/۰۰۱	۰/۸۹۱	۰/۰۰۱
گفت و شنود	۰/۲۵۸	۰/۰۰۱	۰/۸۴۰	۰/۰۰۱
مقتدرانه	۰/۰۸۵	۰/۰۰۱	۰/۹۸۸	۰/۰۰۱
مستبدانه	۰/۱۰۴	۰/۰۰۱	۰/۹۲۳	۰/۰۰۱
سهل‌گیرانه	۰/۲۴۸	۰/۰۰۱	۰/۶۷۸	۰/۰۰۱
رشد اجتماعی	۰/۰۴۴	۰/۲۰۱	۰/۹۹۲	۰/۲۴۶

برای آزمون این پیش فرض، مقادیر فاصله ماهالانوبیس برای نمرات کل اجرا شد. نتایج در جدول ۳ نشان دادند که حداکثر مقدار ماهالانوبیس (۲۶/۷۲۷) از مقدار بحرانی آزمون مجذور کای (۲۶/۱۲۴) با درجه آزادی ۸ بزرگتر است، لذا نمرات پرت چند متغییری در میان داده ها وجود دارد. از این طریق یک نمره شناسائی و به طور موردی از تحلیل کنار گذاشته شدند.

جدول ۳. شاخص‌های نرمال بودن چند متغییری					
فاصله ماهالانوبیس	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار	تعداد
فاصله ماهالانوبیس	۱/۶۸۵	۲۶/۷۲۷	۷/۹۶۴	۳/۹۷۲	۲۲۲
فاصله کوک	۰/۰۰۰	۰/۰۳۳	۰/۰۰۵	۰/۰۰۶	۲۲۲

جدول ۴ نشان می‌دهد که توزیع باقی‌مانده‌ها نرمال نیست. نمرات بالا و پایین ۱/۹۶ شناسائی و از تحلیل کنار گذاشته شدند.

جدول ۴. شاخص‌های توصیفی رشد اجتماعی، الگوهای ارتباطی، سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های فرزندپروری				
متغیرها	کالموگروف - اسمیرنوف		شاپیرو - ویلک	
	آماره	معنی داری	آماره	معنی داری
باقی‌مانده‌های غیراستاندارد	۰/۰۷۲	۰/۰۰۷	۰/۹۸۰	۰/۰۰۳

فرضیه اول: رشد اجتماعی براساس الگوهای ارتباطی، سبک‌های دلبستگی و فرزندپروری قابل پیش‌بینی است.

جدول ۵. خلاصه محاسبات رگرسیون پیش‌بینی رشد اجتماعی بر اساس الگوهای ارتباطی، سبک دلبستگی و شیوه‌های فرزندپروری								
	بتای غیراستاندارد		بتای استاندارد		همبستگی		همخطی بودن	
	B	خطای معیار	Beta	t	معنی داری	نیمه تفکیکی	تحمل	VIF
ثابت	-۲۷/۰۳۸	۲/۷۷۵		-۰/۷۴۵	۰/۰۰۱			
ایمن	۱/۸۱۵	۰/۱۵۰	۰/۲۴۶	۱۲/۰۷۳	۰/۰۰۱	۰/۲۱۰	۰/۷۲۸	۱/۳۷۳
ناایمن	-۰/۰۲۱	۰/۰۲۳	-۰/۱۷	-۰/۹۰۶	۰/۳۶۶	-۰/۱۶	۰/۹۰۳	۱/۱۰۷
همنوایی	۱/۱۶۳	۰/۰۸۹	۰/۲۶۲	۱۳/۰۲۹	۰/۰۰۱	۰/۲۲۷	۰/۷۴۷	۱/۳۳۹
گفت‌وشنود	۱/۵۶۴	۰/۰۹۸	۰/۳۲۷	۱۵/۹۱۴	۰/۰۰۱	۰/۲۷۷	۰/۷۱۸	۱/۳۹۲
مقتدرانه	۱/۳۰۸	۰/۰۷۱	۰/۴۲۹	۱۸/۵۴۷	۰/۰۰۱	۰/۳۲۳	۰/۵۶۷	۱/۷۶۵
مستبدانه	-۱/۱۶۸	۰/۰۶۵	-۰/۰۴۸	-۲/۵۶۹	۰/۰۱۱	-۰/۰۴۵	۰/۸۸۴	۱/۱۳۱
سهل‌گیرانه	۰/۰۲۳	۰/۰۱۸	۰/۰۲۴	۱/۲۵۶	۰/۲۱۱	۰/۰۲۲	۰/۸۲۵	۱/۲۱۲

همان‌گونه که جدول ۵ نشان می‌دهد در الگوهای ارتباطی، بعد همنوایی ($B = 0/262$) و گفت‌وشنود ($B = 0/327$)، در سبک‌های دلبستگی، بعد ایمن ($B = 0/246$) و در شیوه‌های فرزندپروری، بعد مستبدانه ($B = -0/048$) و بعد مقتدرانه ($B = 0/429$) به‌طور معنی‌داری نمرات کل رشد اجتماعی را پیش‌بینی می‌کنند. سهم بعد همنوایی ۴/۸۸ درصد، بعد گفت‌وشنود ۵/۱۵ درصد، سبک مستبدانه ۰/۲۰ درصد، سبک مقتدرانه ۱۰/۴۳ درصد و دلبستگی ایمن ۴/۴۱ درصد است.

جدول ۶. خلاصه مدل رگرسیون پیش‌بینی رشد اجتماعی بر اساس الگوهای ارتباطی، سبک دلبستگی و شیوه‌های فرزندپروری					
R	مجدور R	مجدور R	دوربین - F	معنی‌داری	
	اصلاح شده	واتسون			
۰/۹۶۹	۰/۹۳۸	۰/۹۳۶	۱/۸۲۰	۴۴۲/۶۷۲	۰/۰۰۱

نتایج جدول ۶ نشان می‌دهند که همبستگی چندگانه میان الگوهای ارتباطی، سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های فرزندپروری با نمرات کل رشد اجتماعی ۰/۹۶۹ است. ۹۳/۶ درصد تغییرات رشد اجتماعی توسط ترکیب نمرات الگوهای ارتباطی، سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های فرزندپروری تبیین می‌شوند. مقدار همبستگی چندگانه نیز ($p < 0/001$ ، $F = 442/672$) معنی‌دار است. فرضیه دوم: بین رشد اجتماعی با الگوهای ارتباطی خانواده، سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های فرزندپروری رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۷. همبستگی بین رشد اجتماعی با الگوهای ارتباطی، سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های فرزندپروری						
ایمن	ناایمن	همنوایی	گفت‌وشنود	مقتدرانه	استبدادی	سهل‌گیر
رشد اجتماعی	**	**	**	**	*	**
۰/۶۲۴	-۰/۰۲۲	۰/۶۸۰	۰/۷۰۱	۰/۸۳۳	-۰/۱۳۲	۰/۴۱۹

جدول ۷ نشان می‌دهد که بین رشد اجتماعی با سبک دلبستگی ایمن، الگوهای ارتباطی خانواده و سبک مقتدرانه و سهل‌گیرانه از شیوه‌های فرزندپروری والدین رابطه مثبت معنادار و بین رشد اجتماعی با سبک دلبستگی ناایمن و سبک مستبدانه از شیوه‌های فرزندپروری رابطه منفی معناداری وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی رشد اجتماعی بر اساس شیوه‌های فرزندپروری والدین، الگوهای ارتباطی خانواده و سبک‌های دلبستگی در دانش‌آموزان ابتدایی انجام شد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها به شرح زیر است:

فرضیه اول: رشد اجتماعی بر اساس شیوه‌های فرزندپروری والدین، الگوهای ارتباطی خانواده و سبک‌های دلبستگی قابل پیش‌بینی است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه فوق نشان داد، الگوهای ارتباطی به‌طور مثبت، سبک دلبستگی ایمن به‌طور منفی، شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه و مستبدانه به‌طور منفی و شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه به‌طور مثبت و معنی‌داری نمره کل رشد اجتماعی را پیش‌بینی کردند. نتیجه به‌دست آمده با نتایج پژوهش‌های رهدار (۱۳۹۷)، غفاری و حسینی (۱۳۹۷)، محمدی و همکاران (۱۳۹۶)، موسوی (۱۳۹۶)، غلامی و شهری (۱۳۹۵)، صفایی (۱۳۹۳)، مردانه (۱۳۹۳)، نوروزی (۱۳۹۳)، جنن و نیل (۲۰۱۹)، نیل و همکاران (۲۰۱۹)، لیانوس (۲۰۱۸)، بلازیس (۲۰۱۶) و یلدریم (۲۰۱۳) همسو است.

رشد اجتماعی با اولین برخوردهای پدر و مادر شروع می‌شود و در درازمدت آثار روانی خود را باقی می‌گذارد. برخورد والدین و دیگر افراد جامعه تأثیر عمیقی در ساختار شخصیت کودک و آینده او دارند (غفاری و حسینی، ۱۳۹۷). اعضای خانواده با هم پیوندهایی را برقرار می‌کنند که منحصر به فرد هستند. کودکان در خانواده زبان، مهارت‌ها، ارزش‌های اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی خود را می‌آموزند که پیوندهای صمیمی و خشنود کننده، سلامت جسمانی و روانی را در سرتاسر رشد پیش‌بینی می‌کند (برک، ترجمه سید محمدی، ۱۳۹۷).

در سبک مستبدانه والدین قواعد و انتظارات خشکی را وضع کرده و به‌طور سخت و جدی آنها را اعمال می‌کنند. این والدین، انتظار فرمان‌برداری از جانب کودک دارند. این نوع از سیستم خانوادگی به‌ویژه برای نوجوانان که تمایل به موضع‌گیری برخلاف والدین قدرت طلب دارند، مشکل‌ساز است. در مشاهدات بامریند، کودکان این والدین، اغلب از نظر رفتاری متعارض و تحریک‌پذیر و دارای خلق بی‌ثبات، ناخرسند، آسیب‌پذیر در مقابل فشار بوده و رفتاری غیردوستانه دارند.

در واقع کیفیت روابط درون خانواده یا به عبارت دیگر الگوهای ارتباطی خانواده نقش تعیین کننده‌ای در شکل‌گیری شخصیت و عملکرد اجتماعی و شناختی و نیز بهداشت روان کودک در آینده داشته و تأثیر طولانی مدت آن بر رشد و تکامل کودک به اثبات رسیده است. اصولاً مفهوم الگوی ارتباطی خانواده یا طرحواره‌های ارتباط خانواده، ساختار علمی از دنیای ظاهری خانواده است که براساس ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر و اینکه اعضا چه چیزی به یکدیگر می‌گویند و چه کاری انجام می‌دهند و اینکه چه معنایی از این ارتباطات دارند، تعریف می‌شود (کوئرنر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۲).

از طرف دیگر، روان‌شناسان بر روابط کودکان با کسانی که مراقبت از آنها را به‌عهده دارند، تأکید نموده و این کنش‌های متقابل را اساس عمده رشد عاطفی، شناختی و اجتماعی قلمداد کرده‌اند (نوروزی، ۱۳۹۳). به عقیده بالبی (۱۹۶۹)، برای تأمین سلامت روانی کودک، برقراری روابط گرم و دائمی بین او و مادرش یا فردی که بتواند به‌طور شایسته جایگزین وی شود ضروری است؛ چنان روابطی که مورد رضایت هر دو طرف بوده و از آن لذت ببرند. افزون بر آن، برای رشد هیجانی و عاطفی انسان‌ها به وجود دوره‌ای حساس قائل بوده و معتقد است که تجارب عاطفی در برخی مراحل زندگی ممکن است اثر حیاتی و طولانی مدت بر جای گذارند (موسوی و همکاران، ۱۳۹۸).

غلامی و شهری (۱۳۹۵) و نوروزی (۱۳۹۳) در مطالعات خود گزارش کردند، هر چه مؤلفه‌های سبک دلبستگی ایمن افزایش یابد، میزان رشد اجتماعی کودکان نیز افزایش می‌یابد و بالعکس. هر چه میزان سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا افزایش یابد میزان رشد اجتماعی کودکان کاهش می‌یابد. در تبیین ارتباط مثبت سبک دلبستگی ایمن با رشد اجتماعی باید گفت که افراد دارای این سبک ارتباطشان براساس اعتماد، صمیمیت، گرمی، گویایی و تعادل توصیف می‌شود. افراد دارای سبک دلبستگی ایمن از سطح بالایی از عزت‌نفس برخوردار هستند. افراد دارای دلبستگی ایمن، در موقع تکیه کردن به دیگران و همچنین وابستگی دیگران به او احساس راحتی دارند. کولین و رید (۱۹۹۴) مشاهده کردند زمانی که افراد ایمن در موقعیت‌های استرس‌آور قرار می‌گیرند، از مکانیسم‌های مقابله‌ای رشدیافته استفاده می‌کنند و در ارتباط با استرس به‌طور کارآمد برخورد می‌کنند؛ این افراد عاقلانه رفتار کرده و هیجان‌پذیری محدود نشان می‌دهند و درعوض بر کارها و فعالیت‌های خود تمرکز می‌کنند.

افراد دارای دلبستگی ایمن دارای خصوصیتی هستند که به خاطر داشتن آنها از رشد اجتماعی بالاتری برخوردار هستند. این افراد ارتباطشان بر اساس عزت نفس شکل می‌گیرد؛ چرا که در طول کودکی و شکل‌گیری شخصیتشان همیشه به آنها اعتماد لازم جهت مقابله با مشکلات و فشارهای روانی داده شده و یا تلقین شده است و افرادی که دارای حرمت نفس و عزت نفس بالایی باشند بدون شک رشد بالایی در زمینه اجتماعی دارند.

فرضیه دوم: بین رشد اجتماعی با الگوهای ارتباطی خانواده، سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های فرزندپروری رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه فوق نشان داد، بین رشد اجتماعی با سبک دلبستگی ایمن، الگوهای ارتباطی خانواده و سبک مقتدرانه و سهل گیر از شیوه های فرزندپروری والدین رابطه مثبت معنادار و بین رشد اجتماعی با سبک دلبستگی ناایمن و سبک مستبدانه از شیوه های فرزندپروری رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

نتیجه به دست آمده با نتایج پژوهش های رهدار (۱۳۹۷)، محمدی و همکارانش (۱۳۹۶)، موسوی (۱۳۹۶)، غفاری و حسینی (۱۳۹۵)، غلامی و شهری (۱۳۹۵)، صفایی (۱۳۹۳)، مردانه (۱۳۹۳)، نوروزی (۱۳۹۳)، جن و نیل (۲۰۱۹)، بلازویس (۲۰۱۶) و یلدریم (۲۰۱۳) همسوئی دارد.

بر اساس نتایج مطالعات پیشین، والدین و شیوه های تربیتی آنها، روابط درون خانواده و دلبستگی فرزندان از پیش بینی کننده های مهم رشد به ویژه رشد اجتماعی کودکان هستند. در تبیین یافته ها باید گفت که روش تربیت فرزندان از اهمیت و حساسیت زیادی برخوردار است و می تواند از بروز بسیاری از آسیب های روانی و اجتماعی پیشگیری کند. سبک فرزندپروری می تواند پیش بینی کننده رشد روانی اجتماعی، عملکرد تحصیلی، رفاه و سلامت و مشکلات رفتاری در آینده باشد. به طور کلی میزان پاسخ دهی والدین، پیش بینی کننده کفایت های اجتماعی و کارکردهای روانی اجتماعی است. به نظر می رسد والدینی که وقت بیشتری را صرف سرپرستی و تربیت فرزندانشان می کنند دارای فرزندانی هستند که کمتر به سمت رفتارهای پرخطر و نامناسب متمایل می شوند. پژوهش های قابل ملاحظه در حوزه فرزندپروری نشان داده اند که فرزندان سیستم متعادل خانوادگی از نظر هیجانی سالم تر، شاداب تر و در زندگی و مدرسه موفق ترند.

در راستای نقش الگوهای ارتباطی خانواده، پژوهشگران معتقدند، نحوه ارتباطات و نوع نگاه فرد به ارتباطات، رفتارهای ارتباطی آتی فرد را شکل می دهد و این رفتارها متعاقباً تفسیرهای ذهنی در مورد ارتباطات، شخصیت و نوع نگاه فرد به دنیا را موجب می شوند (هارون رشیدی و کاظمیان مقدم، ۱۳۹۷) که در نتیجه این سه مؤلفه، نوع ارتباطات درون خانواده می تواند در شکل گیری رشد اجتماعی نیز نقش داشته باشند. براساس نظر بالبی (۱۹۸۸)، دلبستگی که در دوران کودکی بین کودک با مراقبانش شکل می گیرد، بر رشد اجتماعی و احساس کودک در کل زندگی مؤثر است. او معتقد است دلبستگی به معنای پیوند عاطفی است که در کودکی، بین کودک و مراقب اصلی وی شکل می گیرد و کیفیت این پیوند عاطفی، برداشت افراد از خود و دیگران را مبنی بر این که آیا خودشان شایسته مراقبت هستند یا نه و آیا می توان به دیگران برای فراهم سازی مراقبت اعتماد کرد یا نه، تحت تأثیر قرار می دهند. بنابراین هر چه دلبستگی ایمن تر باشد، میزان رشد اجتماعی کودک نیز قوی تر می شود.

از محدودیت های پژوهش حاضر، عدم کنترل برخی از متغیرهای مزاحم از قبیل موقعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده های کودکان که این وضعیت می تواند منجر به کاهش روایی درونی تحقیق گردد. از طرفی، ماهیت همبستگی مطالعه حاضر نتیجه گیری علی در مورد یافته ها را مشکل می سازد. لذا، پیشنهاد می شود برای انجام تحقیقات بیشتر در این زمینه، متغیرهایی نظیر (طبقه اجتماعی/ تحصیلات/ وضعیت اقتصادی والدین) مورد بررسی قرار گیرند. همچنین، با توجه به یافته حاصل از پژوهش حاضر مبنی بر رابطه بین سبک های تربیتی والدین و رشد اجتماعی کودکان، پیشنهاد می گردد که کارگاه های آموزشی جهت آموزش انواع سبک های فرزندپروری، ارائه راهکارهای مناسب در جهت پرورش فرزندانی با سبک دلبستگی ایمن و اجتناب از سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا و برنامه های آموزشی مداخله ای در زمینه تقویت الگوهای ارتباطی گفت و شنود در خانواده ها، توسط مشاوران و متخصصان در حیطه خانواده برای والدین برگزار گردد.

منابع

- اسفندیاری، غ. (۱۳۷۴). "مقایسه شیوه‌های فرزندپروری مادران در دو گروه کودکان مبتلا به اختلال رفتار و تاثیر آموزش مادران در کاهش اختلال رفتاری". پایان‌نامه کارشناسی ارشد، انستیتوی تحقیقات روانپزشکی تهران.
- برک، ل. (۱۳۹۷). "روانشناسی رشد". ترجمه سید محمدی، یحیی. تهران: نشر ارسباران.
- رونقی، سیمین؛ دلاور، علی؛ مظاهری، محمدعلی. (۱۳۹۱). "ساخت، اعتباریابی و هنجاریابی مقیاس دلبستگی در کودکی میانه". علوم رفتاری، دوره ۴، شماره ۱۲، صص ۳۵-۴۹.
- رهدار، محمد. (۱۳۹۷). "نقش واسطه‌ای ارتباط والد-فرزند و ارتباط با همسالان در رابطه بین فراغت خانواده با رشد اجتماعی دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ شهر زابل". پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی و تربیتی دانشگاه رازی.
- صفایی، صدیقه. (۱۳۹۳). "رابطه سبک دلبستگی و رشد اجتماعی در کودکان نارساخوان و عادی". تعلیم و تربیت استثنایی، ۱ (۱۲۳)، صص ۲۹-۳۵.
- غفاری، خلیل، سعید، حسینی. (۱۳۹۷). "رابطه سبک فرزندپروری والدین و سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان مقطع ابتدایی". ششمین همایش پژوهش‌های نوین در علوم و فناوری، کرمان، شرکت علم محوران آسمان.
- غلامی، سعیده؛ شهری، خدیجه. (۱۳۹۵). "بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی والدین با پرخاشگری و رشد اجتماعی کودکان ۷ تا ۱۱ سال (مقطع ابتدایی) شهرستان بهشهر". سومین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی.
- فراحتی، مهرزاد؛ فتحی آشتیانی، علی؛ مرادی، علیرضا. (۱۳۹۰). "رابطه بین الگوهای ارتباطی خانواده با منبع کنترل و عزت نفس نوجوانان". مجله علوم رفتاری، دوره ۵، شماره ۳، صص ۲۷۹-۲۸۵.
- کوروش نیا، مریم؛ لطیفیان، مرتضی (۱۳۸۶). "بررسی روایی و پایایی ابزار تجدیدنظر شده الگوهای ارتباطات خانواده". فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال سوم، شماره ۱۲، صص ۸۷۵-۸۵۵.
- محمدی، مبین؛ محمدی، ابراهیم؛ رستگار مهرنیا، محمد و دهقانی، رحیم. (۱۳۹۶). "بررسی تأثیر شیوه‌های فرزندپروری بر رشد اجتماعی دانش‌آموزان ابتدایی". نهمین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی و علوم اجتماعی، تهران، شرکت همایشگران مهر اشراق.
- مردانه، قباد. (۱۳۹۳). "تبیین رابطه الگوهای ارتباطی خانواده با هوش معنوی و مهارت اجتماعی در دانش‌آموزان مقطع سوم متوسطه غیرانتفاعی دخترانه ناحیه یک شیراز". نخستین همایش ملی علوم تربیتی و روان‌شناسی، مروت، شرکت اندیشه سازان مبتکر جوان.
- مژگانیان، و. (۱۳۸۰). "بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری والدین و حالات هویت‌یابی دختران نوجوان دبیرستان‌های تهران". پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران.
- موسوی، سیده فاطمه. (۱۳۹۶). "نقش واسطه‌گری سبک‌های دلبستگی در بین سبک‌های فرزندپروری و رشد اجتماعی". پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم پایه دانشگاه آزاد اسلامی واحد مروت.
- موسوی، سید علی محمد؛ جلالی، محمدرضا؛ روحانی، نیره السادات. (۱۳۹۸). "رابطه صفات شخصیتی، سبک‌های دلبستگی و سبک‌های والدگری والدین با سلامت جسمانی کودکان". مجله سلامت روان کودک، دوره ششم، شماره ۳، صص ۲۱۶-۲۲۷.
- مهرافروز، حجت اله. (۱۳۸۱). "بررسی رابطه بین نگرش نسبت به شیوه‌های فرزندپروری مادر با مکان کنترل و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پسر پایه چهارم ابتدایی". پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت معلم تهران.
- نوروزی، سهراب. (۱۳۹۳). "بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با رشد اجتماعی دانش‌آموزان". اولین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روان‌شناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران، مؤسسه آموزش عالی مهر ارون، مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار.
- نیکدل، فریبرز؛ کوهستانی، زهرا. (۱۳۹۶). "نقش واسطه‌ای باورهای هوشی در تأثیر الگوهای ارتباطی خانواده بر خودناتوان‌سازی تحصیلی دانش‌آموزان دبیرستان". رویکردهای نوین آموزشی، ۱۲ (۱)، صص ۱۳۰-۱۵۱.
- هارون شیدی، همایون؛ کاظمیان مقدم، کبری. (۱۳۹۷). "رابطه الگوهای ارتباطی، انعطاف‌پذیری و انسجام خانواده با جرأت‌ورزی دانش‌آموزان دختر". مجله فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، شماره ۴۴، صص ۱۶۵-۱۸۳.

- Baumrind, D. (1973). "Current patterns of parental authority, developmental psychology patterns of parental authority". *Developmental Psychology Monograph*, 4 (1 part 2), pp. 1-103.
- Blažević, I. (2016). "Family, peer and school influence on children's social development". *World Journal of Education*, Vol. 6, No. 2, pp. 42-49.
- Bowlby J. (1969). "Attachment and loss: Attachment". New York: Basic Books.
- Jeon, S. & Neppl, T.K. (2019). "Economic pressure, parent positivity, positive parenting, and child social competence". *Journal of Child and Family Studies*, 28(5), pp. 1402-1412.

- Lianos, P. (2018). "Parenting and social competence in school: The role of preadolescents' personality traits". *Journal of Adolescence*, 41, pp. 109-120.
- Neppl, T.K.; Wedmore, H.; Senia, J.M.; Jeon, S. & Diggs, O.N. (2019). "Couple interaction and child social competence: The role of parenting and attachment". *Social Development*, 28(2), pp. 347-363.
- Yildirim, E.D. (2013). "Relationship between styles, severity of punishment, importance of religion in child development and childhood social behaviors in Caribbean immigrant families". A Thesis submitted for the degree of master of science in child and family studies in the graduate school of Syracuse University.